



Volume 2, Issue 2, 2022

## Developments and Innovations of the Law on Reducing Imprisonment in the Field of Judicial Criminal Policy

Mehdi Omid Arjenki<sup>1</sup>, Masoud Heidari\*<sup>2</sup>, Mahmoud Ashrafy<sup>3</sup>

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Law, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

*Type of Article:*

**Original Research**

**Pages: 151-163**

*Corresponding Author's Info*

**ORCID:** 0000-0003-2128-0980

**TELL:** +98 9131115525

**Email:** masoud\_heidari2@yahoo.com

*Article history:*

**Received:** 05 Feb 2022

**Revised:** 10 Apr 2022

**Accepted:** 18 May 2022

**Published online:** 22 Jun 2022

*Keywords:*

*Imprisonment, Law on Reduction of Imprisonment, Changes, Criminal Policy.*

### ABSTRACT

Today, along with the policies of decriminalization and decriminalization, each of which in some way reduces the number of actors in the criminal system, the policy of decriminalization should be taken into consideration by the Iranian legislator. For this reason, legislators and criminal policymakers pay special attention to decriminalization, one example of which is imprisonment. The last will of the legislator in Iran's criminal law in this regard is the law on reducing the punishment of imprisonment, approved in 2019, but the approval of this law has resulted in various changes and innovations from the point of view of criminal policy. The current research has investigated the developments and innovations brought about by the Law of Detention from the point of view of criminal policy, using a descriptive-analytical method. The findings show that, in the approval of the law on reducing the punishment of imprisonment, appropriate measures were taken, including the removal of whipping, the integration of the initiation and deputy system in crime, but on the other hand, the legislature, which aimed to establish a balance between crime and punishment, entered the field of legislation. Without the necessary background, the guarantee of execution of some crimes has been reduced to more than seven times and in practice, the reaction of imprisonment in many forgivable crimes has been made void of execution, which seems that this orientation has a constructive reading in the minds of the audience of the law. It should not be related to the deterrent goals of punishments, which is the main claim of the legislator in criminal policy.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Omid Arjenki, M; Heidari, M & Ashrafy, M (2022). "Developments and Innovations of the Law on Reducing Imprisonment in the Field of Judicial Criminal Policy". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(2): 151-163.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

## تحولات و نوآوری‌های قانون کاهش حبس تعزیری در حوزه سیاست جنایی قضایی

مهدی امیدوی ارجنکی<sup>۱</sup>، مسعود حیدری<sup>۲\*</sup>، محمود اشرافی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

### چکیده

امروزه در کنار سیاست‌های جرم‌زدایی و قضازدایی که هرکدام به‌نحوی باعث می‌شود از کنشگران نظام کیفری کاسته شود، سیاست کیفرزدایی مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گیرد. به همین دلیل، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران کیفری به کیفرزدایی که یکی از مصادیق آن مجازات حبس است، توجه ویژه دارند. آخرین اراده مقنن در حقوق کیفری ایران در این خصوص قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ است، اما تصویب این قانون از دیدگاه سیاست جنایی تحولات و نوآوری‌های مختلفی را در پی داشته است. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تحولات و نوآوری‌هایی که قانون کاهش حبس از دیدگاه سیاست جنایی در پی داشته پرداخته است. یافته‌ها نشان از آن دارد که در تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اقدامات به صوابی، از جمله حذف مجازات تازیانه، یکپارچه‌سازی سیستم شروع و معاونت در جرم رخ داد، اما در مقابل، قانون‌گذاری که با هدف برقراری توازن بین جرم و مجازات وارد عرصه تقنین شده بود، بدون بسترسازی لازم، ضمانت اجرای برخی جرایم را به بیش از هفت برابر کاهش و در عمل واکنش حبس را در بسیاری از جرایم قابل گذشت تهی از اجرا ساخت که به‌نظر می‌رسد این جهت‌گیری، خوانش سازنده‌ای را در اذهان مخاطبان قانون، نسبت به اهداف بازدارنده مجازات‌ها که داعیه اصلی قانون‌گذار در سیاست جنایی است، تداعی نکند.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۱-۱۶۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۰۹۸۰-۲۱۲۸-۰۰۰۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۳۱۱۵۵۲۵

ایمیل: masoud\_heidari2@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

حبس، قانون کاهش حبس، تحولات، سیاست جنایی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

**مقدمه**

در حال حاضر، به دنبال ضرورت‌های عملی حاکم بر سیاست‌گذاری‌های کیفری، جهت‌گیری کنونی نظام کیفری ایران، به منظور کاهش میزان بزهکاری از طریق شیوه‌های مدیریتی، به رویکرد مذکور سوق پیدا کرده است. در این راستا درجه‌بندی مجازات‌ها، اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، نظام نیمه‌آزادی و ... از اقدامات مهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعیین مجازات می‌باشد. از این رو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ به عنوان واپسین اراده سیاست‌گذاران جنایی، با وضع اصلاحات بنیادین در قانون مجازات اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید (نصر، ۱۴۰۲: ۴۷). لازم به ذکر است که در خصوص میزان کیفر نیز مقنن باید سهولت و منافع ارتکاب جرم، رقم سیاه بزهکاری، عمومیت بزه و ارتباط جرایم با یکدیگر را مورد توجه قرار دهد و در عین حال در راستای اصل فردی کردن مجازات و افزایش تأثیر مثبت مجازات، دست دادرس را در تعیین میزان کیفر باز بگذارد (حاجی ده‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

البته قانون‌گذاران با تصور این که تعیین مجازات و اجرای آن ممکن است بزهکاران احتمالی که دارای اندیشه‌های شریانه‌اند را منصرف کنند، چنین اقداماتی را انجام می‌دهند تا موجب ارباب شود. از این رو، انتخاب نوع، میزان و یا کمیت و کیفیت مجازات بسیار حائز اهمیت است تا اهداف مجازات تأمین گردد، لیکن ایجاد ارباب در عموم مردم در عصر کنونی با واقعیت‌های جامعه منطبق نیست (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۳۴).

مجازات حبس، صرف نظر از نقاط ضعف و قوت آن، همچنان به عنوان یکی از اصلی‌ترین مجازات‌ها در نظام‌های حقوقی کشورها وجود دارد. بررسی‌های انجام شده در زمینه حقوق کیفری گواه بر آثار زیان‌بار کیفر حبس است که علاوه بر فرد، خانواده وی و جامعه را نیز تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد و هزینه‌های گزافی را متحمل می‌سازد. به همین دلیل، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران کیفری به کیفرزدایی که یکی از مصادیق آن مجازات حبس است، توجه ویژه دارند. آخرین اراده مقنن در حقوق موضوعه ایران در این خصوص، قانون

کاهش مجازات حبس تعزیری است که با هدف موزون‌سازی ضمانت اجرای کیفری، راهکارهایی چون کاهش مجازات حبس برای برخی جرایم، تغییر مقررات تعدد، تکرار و تخفیف مجازات، توسعه نهادهای ارفاقی و ... مترصد کاهش جمعیت کیفری زندان بوده است (نظافت و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۹۶۸).

بنابراین مجازات سالب آزادی با عنایت به عدم موفقیت در کاهش جرایم و پیشگیری از تکرار جرم، منجر به تورم جمعیت کیفری شد، در نتیجه رویکرد حبس‌زدایی قوت گرفت. در همین راستا سیاست حبس‌زدایی، ابتدا استفاده از جایگزین‌های حبس مورد توجه قرار گرفت و در قانون مجازات اسلامی قلمرو شمول و انواع آن ذکر و در قانون دادرسی کیفری قواعد شکلی بیان گردید، سپس تدابیر فروتقینی در قوه قضاییه در راستای به‌کارگیری این نوع از مجازات‌ها تدوین و به مقامات قضایی ابلاغ شد. با این وجود موفقیت این نوع از مجازات‌ها در راستای کاهش تعداد محبوسین، مشکلات ریشه‌ای همچون شدت بالای مجازات حبس‌های تعزیری پیش‌بینی شده در قوانین جزایی، مهم‌ترین عاملی بود که مانعی برای آزادی محبوسین قلمداد می‌شد (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۱).

با این همه، این مقاله سعی بر آن دارد تا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و منابع اسنادی و کتابخانه‌ای ضمن شناسایی رویکرد قانون‌گذار در قبال کیفرگذاری و اصلاح نظام حاکم بر آن‌ها مطابق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری طی سال ۱۳۹۹، وضعیت و قلمرو دیگر مقرره‌های قانونی مصوب طی سال‌های پیش از تصویب قانون مزبور را مورد تحلیل قرار دهد.

### ۱- تقلیل مجازات جرایم خاص؛ شناخت رویکرد نوین قانونی در اصلاح کیفرها

به دنبال مشکلات ناشی از مجازات حبس و ناکارآمدی، آن قانون‌گذار بر آن شد که با کاهش مجازات حبس تعزیری ابتدا از زیانمندی‌های ناشی از مجازات حبس کاسته و در ادامه بار اقتصادی حاکم بر دولت را کمتر کرده باشد. در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ از طرق مختلف جهت

ت- مجازات حبس موضوع ماده ۶۷۷ جرم تخریب عمدی، قانون در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون ریال یا کمتر باشد، به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده می‌باشد. لازم به ذکر است که قبل از این اصلاح مجازات جرم تخریب عمدی حبس از شش ماه تا سه سال مجازات درجه ۵ و میزان مال موضوع جرم در نوع مجازات بی‌اثر بود.

ث- مجازات حبس موضوع ماده ۶۸۴ قانون (جرم تخریب محصول، باغ، آسیاب و ...) به حبس درجه ۶ مجازات جرم اخیر قبل از اصلاح حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا ۷۴ ضربه مجازات درجه ۵ بوده است.

ج- مجازات جرم موضوع مواد ۶۰۸ جرم توهین به اشخاص عادی که قبلاً شلاق تا ۷۴ ضربه و یا ۵۰ هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی مجازات درجه ۶ بود و ۶۹۷ جرم افترا که قبلاً یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد مجازات درجه ۶ بود به جزای نقدی درجه ۶ مطابق مقرره فوق در ۶ بند از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مجازات هفت جرم مورد تغییر واقع شده که در پنج گفتار با توجه به ماهیت واحد داشتن آدمربایی و شروع به آن را در یک گفتار و جرم توهین به اشخاص عادی و افترا را نیز توأمان در گفتاری دیگر مورد بررسی قرار می‌دهیم، هفت جرم مورد نظر از قرار ذیل‌اند:

۱- جرم ایراد ضرب و جرح عمدی موجب نقصان یا شکستن یا از کارافتادن عضو یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه در مواردی که قصاص ممکن نباشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد. موضوع ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

۲- جرم آدمربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

۳- جرم شروع به آدمربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

کاهش ورودی مجرمان به زندان استفاده شده است.<sup>۱</sup> در ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ قانون‌گذار مجازات دسته‌ای از جرایم را به صورت خاص تقلیل داده یا تبدیل کرده است. ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مجازات‌های مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی به شرح زیر کاهش یافته یا تبدیل می‌شود:

«الف- مجازات حبس موضوع ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات جرم ایراد ضرب و جرح عمدی نقصان یا شکستن یا از کارافتادن عضو یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه در مواردی که قصاص ممکن نباشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، به استثنای تبصره آن به حبس درجه ۶ مجازات جرم اخیر قبل از این اصلاح ۲ تا ۵ سال حبس تعزیری و درجه ۵ محسوب می‌شد.

ب- مجازات حبس موضوع ماده ۶۲۱ قانون (جرم آدمربایی) در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد، به حبس درجه ۴ و در غیر این صورت به حبس درجه ۵ مجازات جرم آدمربایی قبل از این تغییر ۵ تا ۱۵ سال و تعزیر درجه ۳ محسوب می‌شد.

پ- تبصره ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات شروع به آدمربایی نسخ و در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عمل می‌شود.

<sup>۱</sup> - تغییر فرهنگ حبس‌گرای قضات با استفاده از ضمانت‌اجرای متناسب، افزایش توجه مراجع عالی قضایی به لوازم اعمال این سیاست، به گونه‌ای که رویه آمرمحوری دستگاه قضایی، سیاست حبس‌زدایی را خنثی نماید؛ نظارت بر عملکرد قضات از حیث پایبندی به سیاست‌های کلان قضایی در زمینه کیفرهای اجتماع‌محور، نظارت واقعی و مستمر بر چگونگی تشکیل پرونده شخصیت، ارتقای سطح دانش حبس‌زدایی قضات با برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر، ارتقای سطح امکانات اعمال مجازات‌های غیرسالب آزادی از حیث سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و ارتقای آگاهی نهادهای مرتبط نسبت به حقوق و تکالیف خود و اصلاح فرهنگ حبس‌گرای عامه، از جمله مهم‌ترین راهکارهای برون‌رفت از وضعیت کنونی به‌شمار می‌روند (رسولی امیرحاجلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۹).

انجام می‌گرفت، دلیل رویکرد دوگانه سیاست جنایی قانون‌گذار در بند «الف» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نه‌تنها هویدا نیست، بلکه بسیار محل تأمل می‌باشد تا جایی که در اصل ماده و تبصره آن هر دو مجازات حبس تعزیری درجه ۶ قابل ملاحظه است.

رعایت‌نکردن توازن بین جرم و مجازات سبب عدم کارکرد بازدارندگی مجازات‌ها خواهد شد. علاوه بر آن، عدم تناسب بین جرم و مجازات سبب تمایل ارتکاب جرایم خفیف به سمت جرانم شدید است، چراکه مطابق اصول بازدارندگی، در صورتی که مجازات جرایم بزرگ از جرانم کوچک کمتر باشد یا این که مجازات آن‌ها برابر باشد. مجرمین با لحاظ قاعده محاسبه‌گری و لذت حاصل از جرم شدیدتر را مرتکب خواهند شد. بنابراین به نظر می‌رسد که ضمانت اجرای جرم فوق از منظر ارباب و بازدارندگی که از اهداف تعیین مجازات‌ها می‌باشند، پیروی نکرده، این عدم توازن بیش از هر چیز در قیاس بین دو جرم و مجازات آن‌ها در یک ماده قانونی احساس می‌شود (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

امروزه سیاست جنایی حاکم بر قوای مقتنه، قضاییه و مجریه دیگر در پی سزادهی صرف بزهکار نیست، توضیح آنکه، ارباب تنظیم نظم و حتی پیشگیری در نظام تعیین مجازات حق را ادا نمی‌کند، بلکه یکی از اهداف مجازات‌ها و از قضا مهم‌ترین آن‌ها مخصوصاً در جرایم تعزیری اصلاح بزهکار است، هدفی که شکست آن بالأخص نسبت به مجازات حبس برای جرم‌شناسان و صاحب‌نظران حقوق کیفری اثبات شده و آن‌ها را بر آن داشته که به استفاده هرچه کمتر از مجازات زندان بسنده کرده و به سمت ترمیمی و طرفینی کردن حقوق قدم بردارند، اما همان‌گونه که گفته شد، هدف اولیه از تعزیر اصلاح می‌باشد و مجازات‌کردن بیش از آن بیش از اصلاح مضر است (منصورآبادی، ۱۴۰۱: ۲۸۶).

جرم موضوع ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات یک جرم خشن علیه تمامیت جسمانی اشخاص می‌باشد که اگر آن را خطرناک‌ترین جرم ندانیم، لاقلاً همگان پس از قتل جرم موضوع ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات را یکی از شدیدترین جرایم علیه تمامیت جسمانی تلقی می‌کنند،

۴- جرم تخریب عمدی موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

۵- جرم تخریب محصول باغ، آسیاب و ... موضوع ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

۶- جرم توهین به اشخاص عادی موضوع ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

۷- جرم افترا موضوع ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

## ۲- جرم ایراد ضرب و جرح عمدی موضوع ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات ۱۳۷۵

«هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربه وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کارافتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد، در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد، چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، به ۲ تا ۵ سال حبس مجازات درجه ۵ محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

تبصره: در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح، اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد، مرتکب به سه‌ماه تا یک‌سال حبس مجازات درجه ۶ محکوم خواهد شد.»

مطابق ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ جرم فوق به استثنای تبصره آن به مجازات حبس درجه ۶ تقلیل یافته است که جدای از تأمل نسبت به ماهیت جرم ارتكابی که از زمره جرایمی است که حامل خشونت شدید علیه تمامیت جسمانی می‌باشد. به نظر می‌رسد تفکیک تقلیل بین جرم موضوع ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات و تبصره آن در ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ محل تأمل باشد، چراکه اگر جرم موضوع ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات می‌بایست مورد تقلیل قرار گیرد، بنا به قیاس اولویت جرم موضوع تبصره که جرمی خفیف‌تر و با خطر کمتر است، نیز باید چنین تقلیلی

مقام اجرا و تضعیف بازدارندگی، مجازات و تضعیف دفاع از جامعه در مقابل بزهکاری است (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۵).

### ۳- جرم آدمربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات و شروع به آن

جرمانگاری چندپاره، نارسا، زائد و مبهم از یک سو و کیفرگذاری نامتوازن و تبعات سوء ناشی از آن حمایت کیفری کارآمد ایران را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در مقابل جرم‌انگاری نقض آزادی شخصی تحت عنوان مجرمانه واحد یا پایه و جرایم مرتبط با آن و اعمال سیستم مجازات‌های مدرج با هدف برقراری دقیق تناسب بین جرم و مجازات به کارآمدی آن کمک نموده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۸).

احترام به آزادی و نکوهش سلب آن، در قوانین موضوعه ایران مورد اجماع است. آدمربایی تحت شرایطی می‌تواند به عنوان بزه بین‌المللی و جرم سیاسی مورد بررسی قرار گیرد و ربودن افراد از مصادیق جرایم علیه آزادی تن اشخاص می‌باشد، البته ماده ۶۲۱ پاسخگوی نیازهای حقوقی جامعه نیست و کاستی‌های فراوانی در آن مشاهده می‌شود که نیازمند تعمیق جدی و بررسی علمی است. از این رو می‌بایستی علاوه بر رفع ابهامات موجود توسط قانون‌گذار، با استفاده از اساتید و افراد متخصص در حوزه علم حقوق و اجتماع به بالابردن سطح آگاهی افراد جامعه نسبت به جرم آدمربایی اقدام شود (نظری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۵).

جهت‌گیری سیاست جنایی قانون‌گذار در حوزه پاسخ‌ها نسبت به جرم آدمربایی نیز در راستای کاهش استفاده از مجازات حبس بوده و در این راستا ضمانت اجرای جرم آدمربایی را به شکل قابل توجهی مورد تغییر قرار داده است. مطابق بند «ب» از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، جرم آدمربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که پیش‌تر مجازات ۵ تا ۱۵ سال داشت، مجازات درجه ۳ مجازات آن در صورت عفو و اکراه به مجازات درجه ۴ و در غیر این صورت به مجازات درجه ۵ تغییر کرد. ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد

چراکه هیچ انسان خردمندی تفاوتی از منظر قبح بین جرم قتل و جرم منجر به زوال عقل نمی‌داند و این پذیرفته نیست که شخص جانی که مرتکب جرم موضوع ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات شده و عارضه آن منجر به زوال عقل شده است، تنها به شش‌ماه حبس محکوم شود و در عمل نیز مجازات جایگزین بنا به میزان حبس مندرج در حکم برای وی اجرا گردد، لذا به نظر می‌رسد این تقلیل قانون‌گذار در رابطه با جرم ایراد ضرب و جرح و جهت‌گیری سیاست جنایی تقنینی در رابطه با پاسخ به این جرم قدرت بازدارندگی عام و خاص را به شدت با کاهش روبه‌رو کرده و نسبت به مسأله اصلاح نیز باتوجه به تصریح قانون‌گذار به چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، مشخص می‌شود که مجرم مورد نظر یک مجرم خطرناک است که آزادسازی آن ریسک بزرگی برای جامعه خواهد بود.

در راستای انتقادهای فراوانی که بر کیفر حبس وارد کرده‌اند و کاهش آسیب‌های ناشی از این نوع مجازات، مجازات‌های جایگزین حبس در دوران‌های مختلف و تحت تأثیر اندیشه‌های مکاتب مختلف به وجود آمد و توسعه پیدا کرد، اگرچه قانون‌گذار ایران در مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین را پیش‌بینی کرده است، ولی با بحث و بررسی به‌ویژه استفاده از نظر زندانیان در این زمینه اهمیت این موضوع و لزوم گسترش آن بیش از پیش روشن خواهد شد و از سوی دیگر استفاده از جایگزین‌های حبس را بایستی به جای استفاده از زندان در جهت کنترل متهمین نیز تسری داد (مهدوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۸۱).

در ضمن باید اذعان داشت قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ نه تنها کمکی به اهداف کیفردهی نمی‌نماید، بلکه به بی‌کیفرمانی و توسعه دامنه تکرار جرم نیز کمک می‌نماید. از سویی با توسعه سیاهه جرایم قابل گذشت بدون توسعه فرهنگی با شتاب‌زدگی عدالت کیفری را به سمت خصوصی‌سازی و مدنی‌سازی سوق داده است. از این رو، نتیجه تقنین ایجاد چالش‌های فراوی دستگاه عدالت کیفری در

انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند، به حبس از ۵ تا ۱۵ سال مجازات درجه ۳ محکوم خواهد شد، در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.»

از منظر توازن بین جرم و مجازات که می‌بایست به خطر و خسارت پیش آمده از ارتکاب جرم و همچنین میزان بزه‌دیدگی قربانی توجه کرد، به نظر می‌رسد قانون‌گذار دست به تغییرات یا بهتر است گفته شود حذفیاتی زده، بدین گونه که مطابق قانون سابق آدم‌ربایی با حيله و فریب را نیز در حکم آدم‌ربایی با عنف و اکراه دانسته، لکن این مقرر در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ حذف شده و تنها آدم‌ربایی با عنف و اکراه مشدده محسوب می‌شود، چیزی که هیچ عقل سلیمی آن را بپذیرفته و هیچ کس تفاوتی بین حيله و فریب با اکراه، بالأخص هنگامی که بزه‌دیده اشخاص مجنون یا صغیر باشند، قائل نیست.

برون‌رفت این رویکرد قانون‌گذار را در قالب یک مثال که در نهایت منجر به رویگردانی مردم از سیستم عدالت کیفری است را توضیح می‌دهیم. فرض را بر این گرفته که شخص آدم‌ربا دختر بچه‌ای ۱۴ ساله را به حيله و فریب بر باید و چندین روز همگان از آن بی‌خبر باشند که پس از تلاش‌های بسیار شخص آدم‌ربا دستگیر و بزه‌دیده به دامن خانواده بازگردد. در این فرض جرم موضوع ماده به حيله و فریب و نه عنف اکراه صورت گرفته است و مجازات آن در فرض، اثبات حبس تعزیری درجه ۵ خواهد بود و در لحاظ این فاصله بازپرس اجازه ندارد که بیش از ۲۴ ساعت متهم را نگاه دارد و می‌بایست با یک قرار تأمین به غیر از بازداشت موقت متهم را آزاد کند، چرا که در جرایم تعزیری درجه ۵ بازپرس اجازه صدور قرار بازداشت موقت ندارد (آشوری، ۱۴۰۱: ۱۵۹-۱۵۷).

علاوه بر موارد فوق قانون‌گذار در اصلاحیه اخیر سن بزه‌دیده را نیز مورد توجه قرار نداده است، این در صورتی است که

قربانی کم سن و سال جرم آدم‌ربایی بلاشک در آینده دچار اختلالات روانی ناشی از بزه‌دیدگی در دوران خردسال خود می‌شود، اما نسبت به میزان مجازات، سیاست جنایی قانون‌گذار در استفاده حداقلی از مجازات حبس در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ دو درجه عقب نشینی داشته است که این دو درجه در مواردی منجر به کاهش ۱۳ ساله مجازات شده، یعنی در مواردی قبل از این اصلاح قضای دادگاه می‌بایست ۱۵ سال حبس حکم صادر می‌کرد، لکن در حال حاضر و با عنایت به اصلاح تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قضای دادگاه الزاماً باید به حداقل مجازات حبس درجه ۵، یعنی دوسال حکم دهد.

نسبت به گفتمانی که در دهه‌های اخیر راجع به کاهش مجازات حبس شکل گرفته که معمولاً تحت عنوان عدالت ترمیمی تعبیر می‌شود، باید گفت که غیر صحیح بودن مجازات حبس و اجرای نادرست آن بر همگان آشکار است، لکن مشکلات ناشی از اداره زندان نباید باعث ورود بی‌قید و شرط زندانیان به جامعه گردد، چرا که ما با این اقدام از این پس به جای زندان‌های نالمن، جامعه ناامن خواهیم داشت.

البته نسبت به تبصره ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس مجازات درجه ۵ است.» مطابق بند «پ» ماده ۱ ق.ک.م.ح. تبصره فوق نسخ و در شروع به آدم‌ربایی مطابق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عمل می‌شود.

#### ۴- جرم تخریب عمدی

امروزه قانون‌گذاران با وضع مقررات قانونی به دنبال حفظ روابط، حقوق مالکیت و نظم عمومی هستند. به همین دلیل قانون کیفری ایران در قوانین مختلف، خصوصاً قانون مجازات اسلامی مقررات گسترده‌ای دارد، به طوری که تخریب اموال متعلق به دولت یا اشخاص عمومی یا خصوصی ممنوع بوده و مجازات مستلزم ارتکاب این اعمال خواهد بود. تخریب اموال، تخریب عمدی یا تخریب ناقص اموال مادی متعلق به دیگران است که موجب مجازات قانونی می‌شود. هدف از جرم‌انگاری تخریب اموال مانند تمامی جرایم علیه اموال، حمایت از اموال و حقوق مالکانه شهروندان است. بنابراین

جایگزین تبدیل کند. بنابراین ابتدا می‌توان فرضی را تصور کرد که شخص مرتکب تخریب مالی به ارزش میلیاردها تومان شده و تنها به مجازات جایگزین حبس محکوم شود که این مجازات جایگزین می‌تواند جزای نقدی بدل از حبس معادل هر روز پنجاههزار تومان، یعنی حدود چهارونیم میلیون تومان باشد و در مقابل شخصی که مرتکب به تخریب عمدی مالی با ارزش ده میلیون تومان شده است، محکوم به جزای نقدی نسبی به میزان بیست میلیون تومان بشود.

این درحالی است که چگونه می‌توان از شخصی که قالیچه یازده میلیون تومانی دیگری را جزئاً و معادل هفت میلیون آن را تلف می‌کند، انتظار داشت که برای کاستن از مجازات خویش کل قالیچه را که مبلغ یازده میلیون تومان ارزش دارد، تلف نکند؟ بنابراین چنین دوگانگی و عدم تدقیقی در افعال قانون‌گذار که مؤید سیاست جنایی سرگردان ایشان می‌باشد، شایسته قانون‌گذار حکیم نیست. در بند «ت» از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اقدام قانون‌گذار نه‌تنها در راستای اهداف اربابی و بازدارندگی مجازات‌ها نبوده است، بلکه از ارباب و بازدارندگی آن کاسته و مجرم را نیز به سمت ارتکاب جرم شدیدتر که تخریب مال با ارزش‌تر است، وسوسه می‌کند.

نسبت به لحاظ شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده و نقش آن در تعیین مجازات ممکن است گفته شود که شخص مجرم هر میزان از خسارت وارده را جبران می‌کند و به‌دنبال آن، متناسب با مال موضوع جرم به جزای نقدی محکوم می‌شود و این عین عدالت و در راستای اهداف اصلاحی مجازات‌ها می‌باشد<sup>۲</sup>، لکن باید گفت که اولاً مجازات جزای نقدی نسبت به اشخاص مختلف اثر بازدارندگی یکسانی ندارند؛ دوماً نسبت به مقوله اصلاح شکل پاسخ در ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، بالأخص زمانی که مال مخروب ارزش

جرم اخیر در دسته‌بندی متعارف جرایم در حقوق کیفری ایران، در زمره جرایم علیه اموال و حقوق مالکانه دیگری قرار می‌گیرد<sup>۱</sup> (حجاریان، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۲).

مطابق بند «ت» از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در جرم تخریب عمدی موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون ریال یا کمتر باشد، مجرم به جزای نقدی تا دو برابر میزان خسارت وارده محکوم خواهد شد، مجازات جرم تخریب عمدی سابقاً بدین نحو بود. ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «هرکس عمداً اشیای منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد، به حبس از شش‌ماه تا سه‌سال مجازات درجه ۵ محکوم خواهد شد.»

قانون‌گذار در مقرره اخیر مجازات حبس درجه ۵ را از جرم تخریب عمدی در صورتی که مال موضوع جرم یکصد میلیون ریال یا کمتر از آن باشد، حذف و آن را به جزای نقدی نسبی (معادل دو برابر ارزش مال مخروب) تبدیل کرده است، پس ما در حال حاضر در ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات با دو مجازات جزای نقدی حداکثر تا دویست میلیون ریال و دیگری از شش‌ماه تا سه‌سال مواجه می‌باشیم، از سوی دیگر مطابق تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه ۴ تا درجه ۸ مقرر در قانون به نصف تقلیل می‌یابد.

پس مجازات شش‌ماه تا سه‌سال نیز در عمل سه‌ماه تا یک‌ونیم‌سال خواهد بود که قاضی مکلف است در صورت نبود جهات تشدید به سه‌ماه حبس حکم و آن را به مجازات

<sup>۱</sup> - قانون‌گذار علاوه بر قوانین و مقررات خاص در خصوص تخریب اموال، اشیاء و تأسیسات، کارخانه‌های صنعتی، مخازن نفت و گاز، اسکله‌ها و پالایشگاه‌های اصلی و مانند آن، تخریب برخی از اموال دیگر را به‌طور خاص و به‌شکل خاص حاکم می‌کند و اموال غیرمنقول در فصل بیست‌وپنجم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات، آتش‌سوزی یا تخریب عادی محسوب می‌شود و برای هریک از آن‌ها مجازات معینی متناسب با نوع مال و نحوه تخریب و اهمیت موضوع و شرایط حاکم بر عمل تعیین شده است.

<sup>۲</sup> - اصول و قواعد خاصی بر تعیین مجازات در این مرحله حاکم هستند که در بسیاری از موارد متفاوت از آن چیزی است که مد نظر قانون‌گذار بوده است و البته از بسیاری از جهات عملگراتر و کاربردی‌تر می‌باشد. این اصول در سطح گسترده شامل اصول حاکم بر بزه، بزه‌کار و بزه‌دیده می‌شود که هریک اثرات خاص خود را برجای خواهد گذاشت. با این حال آنچه به‌عنوان اساس تعیین مجازات در این زمینه قابل ذکر است، قابلیت سرزنش‌پذیری مرتکب و میزان زشتی عمل ارتكابی او در فرایند ارتكاب جرم است (مهر، ۱۳۹۸: ۶۳).

## ۵- جرم تخریب محصول، باغ، آسیاب و ... موضوع ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

قانون‌گذار در پاسداری از ارزش‌های مهم جامعه اقدام به مداخله کیفری و جرم‌نگاری رفتارهای ناقض آن‌ها می‌نماید. یکی از این ارزش‌ها، محیط زیست شهری است که قانون‌گذار ایرانی به حمایت کیفری از آن پرداخته است. در سیاست کیفری تقنینی ایران، حمایت کیفری از محیط زیست شهری در قالب جرم‌نگاری رفتارهای مخرب علیه درختان، پسماندها، آلودگی هوا، آب و خاک و آلودگی صوتی و همچنین تهدید علیه بهداشت عمومی به‌عمل آمده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷).

مطابق بند «ث» از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مجازات جرم تخریب محصول باغ، آسیاب و ... موضوع ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به حبس درجه ۶ تغییر می‌یابد. ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «هرکس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کنند یا محصول دیگری را قطع و درو نمایند یا به‌واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضييع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیندازد، به حبس از شش‌ماه تا سه‌سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود.»

در رابطه با جهت‌گیرهای قانون‌گذار در این جرم نیز اولین اصلاح قانون‌گذار حذف مجازات شلاق از بزه مذکور است که اقدامی رو به جلو و پسندیده محسوب می‌شود، چراکه نواختن تازیانه بر جسم هم‌نوعان چیزی جزء تردیل کرامت انسانی آن‌ها نخواهد بود. جدایی از این مسأله امروزه در برهه‌ای از زمان قرار داریم که عموم مشکلات و معضلات اصولاً می‌توانند راهی جز اعمال خشونت شدید داشته باشد، لذا با تحسین این اقدام بشردوستانه به تغییر دیگر در جرم موضوع ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب مجازات حبس جرم تخریب محصول باغ، آسیاب، و ... موضوع ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات از شش‌ماه تا سه‌سال به مجازات حبس درجه ۶ یعنی شش‌ماه تا دو سال تقلیل پیدا کرده است. بنابراین به‌منظور درک بهتر سیاست جنایی تقنینی

ده‌میلیون‌تومانی یا کمتر از آن داشته باشد، به‌گونه‌ای نیست که سبب اصلاح را فراهم آورد، زیرا زمانی مال مورد تخریب بیش از ده‌میلیون‌تومان ارزش داشته و قاضی درصدد صدور حکم به جایگزین حبس برآید، ملزم به تعیین مجازات جایگزین حبس مرتبط با جرم و در راستای اهداف اصلاحی مجازات‌ها قدم برداشته، لکن این مهم در مجازات تخریب عمدی در صورتی که ارزش مال مورد تخریب کمتر از ده‌میلیون‌تومان باشد، قابل دستیابی نخواهد بود، زیرا مرتکب، ثروتمند بدون هیچ تنش و درگیری ذهنی مبلغ جزای نقدی را پرداخت و مرتکب فقیر نیز یک مرتبه ملزم به جبران خسارت وارده و در مرتبه دیگر نیز ملزم به پرداخت دو برابر ارزش مال تخریب‌شده خواهد شد و این چیزی جز سزادهی صرف نسبت به آن نیست.

به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار تدبیر اصلاحی مناسب را در این زمینه اتخاذ نکرده است.

با این اوصاف، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، کیفرگذاری بزه تخریب اموال را تابعی از میزان خسارت ناشی از جرم دانسته و از این طریق چالش‌های متعددی فراروی مراجع قضایی قرار داده است. از این‌رو، مهم‌ترین چالش‌ها را در «شاخص زمانی و کمی تعیین میزان خسارت»، «تعیین درجه جرم و بالتبع تعیین مرجع صالح و تأمین متناسب»، «تعیین مجازات مرتکب واحد»، «تعیین مجازات مرتکبین متعدد» و «تعیین مجازات تخریب‌های متعدد» تشخیص داده است، سپس با رویکردی علمی - عملی بر این است که میزان خسارت وارده در زمان وقوع تخریب می‌بایست بدو با تقویم بزه‌دیده و ترجیحاً با تأمین دلیل و تشخیص مقام قضایی تعیین و بر همین اساس درجه جرم، مرجع صالح و تأمین متناسب تعیین گردد و در ادامه در صورت لزوم امر ارجاع به کارشناسی شود. همچنین در صورت محرزبودن وقوع جرم و معلوم‌نبودن میزان خسارت وارده، مجازات معادل یک‌ریال جزای نقدی تعیین و درخصوص شرکای جرم، سهم هریک به تنهایی و در تعدد مادی جرم، خسارت هر مال جداگانه محاسبه و لحاظ گردد (روستایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۹).

مطابق بند «ج» از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مجازات جرم توهین به اشخاص عادی موضوع ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که قبل از این شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاههزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی مجازات درجه ۶ بود. همچنین مجازات جرم افترا موضوع ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات که قبل از این یک‌ماه تا یک‌سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد مجازات درجه ۶ بود، به جزای نقدی درجه ۶ تغییر می‌یابد.

ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «توهین به افراد، از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاههزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.»

ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب شود و نتواند صحت اسناد آن را ثابت نماید، جزء در مواردی که موجب حد است، به یک‌ماه تا یک‌سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد. تبصره: در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد، هرچند که بتواند صحت اسناد را ثابت نماید، مرتکب مجازات مذکور محکوم خواهد شد.»

همان‌طور که از قیاس مقرر سابق با قانون جدید برمی‌آید، قانون‌گذار در بزه توهین به اشخاص عادی مجازات شلاق را حذف و جزای نقدی را تشدید کرده و نسبت به جرم افترا نیز مجازات حبس و شلاق را حذف و جزای نقدی را جایگزین آن کرده است. همان‌طور که می‌دانیم، در پی ایرادهای وارده بر اصل مجازات حبس و شیوه اجرای آن گفتمان غالبی تحت عنوان کاهش مجازات‌های حبس تعزیری یا کاهش استفاده از آن شکل گرفت، لکن اولاً این گفتمان هیچ‌گاه در پی حذف کامل مجازات حبس نبوده؛ دوماً هنوز جایگزین مناسبی برای حبس یافت نشده است (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱: ۲۹-۲۴).

پاسخ قانون‌گذار را از منظر مبانی پاسخ‌دهی به جرم مورد بررسی قرار می‌دهیم.

امروزه فرهنگ جوامع به سمت و سوی پیش می‌رود که افراد دیگر مبانی مجازات را در تردیل و تخفیف هم‌نوعان خود و پایمال کردن کرامت انسانی آن‌ها نمی‌دانند. شبکه‌های فرهنگی و آیین مذهبی در قریب به اتفاق ادیان یکتاپرستی گذشت و مصالحه را در بزرگی روح و تنزیه فکر می‌دانند و همواره به گذشت و بخشش در عین محق دانستن بزه‌دیده اصرار داشته‌اند. در رابطه با جرم تخریب محصول باغ، آسیاب و ... موضوع ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با توجه به هدف اولیه از مجازات‌های تعزیری و پاسخ به آن‌ها که اصلاح باشد، به نظر می‌رسد بهتر است به قدر متقین مجازات اکتفا کرد و قدر متقین نیز چیزی جزء اصلاح نیست، زیرا استفاده هرچه کمتر از مجازات حبس در این راستا اقدامی بخردانه می‌باشد. بنابراین کاستن از مجازات حبس عملی سنجیده و به‌جا بوده و بهتر است دادرسی و نظام پاسخ‌دهی به جرایم را از حالت خشک و سنتی خود خارج و در مواردی که تهدید شدیدی علیه تمامیت جسمانی اشخاص یا بیم تجری بزه‌دیده یا سلب امنیت عموم نمی‌رود، به مجازات‌های متناسب با جرم انجام گرفته، حکم صادر کنیم.

بنابراین بهتر بود جهت کارایی سیاست جنایی در بستر اجتماع قبل از تغییر قانون زمینه و بستر لازم جهت پذیرش آن فراهم می‌شد، اما منظور از بسترسازی ایجاد زمینه مناسب در تصویب قانونی در مسیر سازندگی بود، نه آنچه که در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اتفاق افتاد، چراکه در قانون پیش‌گفته نه تنها بسترهای اجتماعی و فرهنگی لازم جهت هضم جنبه ترمیمی، تصالحی فراهم نشد، بل در نص قانون نیز اقدام کارشناسانه صورت نگرفت.

#### ۶- جرم توهین به اشخاص عادی و افترا

پس از بررسی جهت‌گیری قانون‌گذار در پاسخ‌دهی به جرم تخریب باغ و آسیاب، به‌منظور شناخت سیاست جنایی حاکم بر تعیین مجازات‌های تعزیری جهت‌گیری‌های قانون‌گذار در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را در پاسخ‌دهی به جرایم توهین و افترا مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

## ۷- تقلیل مجازات جرایم قابل گذشت

قانون گذار در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در پی ایرادهای وارده به مجازات حبس بر آن شد تا استفاده از مجازات حبس را به حداقل ممکن برساند. در این راستا از طرق مختلف جهت کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها استفاده کرد که از جمله این روش‌ها، کاستن از مجازات یک‌سری جرایم به صورت مستقیم استفاده از نهادهای ارفاقی در جرایمی که قبل از این مرتکبان آن‌ها اجازه استفاده از این نهاد را نداشتند و تغییر نظام حاکم بر تعدد و تکرار را بود، اما در این میان و نسبت به جرایم قابل، گذشت یکی از جهت‌گیری‌های قانون گذار بدیع و بی‌سابقه بود (خالقی، ۱۴۰۲: ۴۹-۵۱).

مطابق تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹: «حداقل و حداکثر مجازات حبس‌های تعزیری درجه ۴ تا درجه ۸ مقرر در قانون برای جرایم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.»

این تبصره بدین معناست که قانون گذار نسبت به جرایم موضوع ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یک‌بار برای شروع به تعقیب اقدام اولیه بزه‌دیده را لازم دانسته است که مسامحتاً شکل خاصی از پا پس کشیدن از تعقیب به نفع بزه‌کار می‌باشد و یک‌بار دیگر نیز پس از آنکه بزه‌دیده شکایت و بزه‌کار را در مراجع قضایی محکوم کرد، مجازات آن جرایم را به نصف تقلیل داده است، اما به نظر می‌رسد نسبت به مورد دوم کمی مسأله متفاوت باشد. توضیح آنکه حاکمیت در حمایت از آن دسته جرایم که ارتکاب آن را برای خود خطری تلقی نمی‌کند، علاوه بر این که اقدامی در جهت تعقیب انجام نمی‌دهد، به دلیل غلبه جنبه خصوصی، به بزه‌کار تخفیف هم می‌دهد که اگر فلسفه تقلیل مجازات حبس و قابل گذشت تلقی کردن برخی از جرایم را حرکت به سمت عدالت ترمیمی تصالحی کردن دادرسی و پرننگ کردن نقش بزه‌کار در جبران آلام جرم بدانیم، در مقابل می‌توان این اقدام قانون گذار در تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ را یک فعل خلاف آن و دست‌درازی قانون گذار به حقوق بزه‌دیده تلقی کرد.

بنابراین روشن است که اهداف قانون گذار در تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ جدای از صحیح یا ناصحیح بودن آن اصولاً جرم‌شناختی نبوده است. توضیح آنکه در جرایمی که از نظر قانون گذار قابل گذشت می‌باشند، منافع اقتصادی دولت در عدم اعمال مجازات ارجح‌تر از اعمال حقوق بزه‌دیده می‌باشد و این نتیجه به خوبی از تنصیف مجازات برخی جرایم قابل گذشت مستفاد می‌شود، چراکه قانون گذار در یک اقدام نوعی از منظر درجه جرایم تعزیری مجازات‌ها را نصف کرده است تا جایی که در برخی جرایم، مجازات‌ها نزدیک به ده برابر کاهش و پس از آن قاضی مکلف به صدور حکم به جایگزین حبس شده است (بیگی، ۱۴۰۰: ۵۷).

در هر حال، قلمرو جرایم قابل گذشت، با لحاظ معیارهای جدیدی، در قانون کاهش با تغییر و تحولاتی همراه بوده‌اند. این تغییرات در راستای فلسفه ذاتی قانون کاهش، همراه با دستاوردها و چالش‌هایی هستند. دستاورد از این حیث که بسیاری از تنگناهایی که مراجع قضایی در مقام تعیین مجازات و یا مختوم نمودن پرونده، با آن مواجه بوده‌اند را برطرف نموده و علاوه بر کاهش مجازات حبس تعزیری، فرآیند تعیین کیفر را تسهیل کرده است<sup>۱</sup> (فتیلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۹۵).

### نتیجه‌گیری

حبس یکی از انواع مجازات‌ها است که ضمن بالابودن هزینه‌های آن از کارآمدی کمی برخوردار است. مجازات‌های جایگزین حبس برای رفع مضرات حبس و مفید و کارآمدتر نمودن مجازات‌ها به وجود آمده‌اند. مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس مجازات‌های جایگزینی هستند که باتوجه به نقش‌های مجرم، سرمایه‌های او، میزان خسارت و لطمه‌ای که به جامعه و زیان دیدگان وارد کرده‌اند و با مشارکت دیگر نهادهای دولتی، عمومی و مردمی به مجرمین اعمال می‌شود.

<sup>۱</sup> یکی از دستاوردهای قانون کاهش، علاوه بر گسترش قلمرو جرایم قابل گذشت، کاهش مجازات حبس جرایم مذکور است. در این خصوص تبصره ذیل ماده ۱۱ قانون کاهش اشعار می‌دارد: «حداقل و حداکثر مجازات حبس تعزیری درجه ۴ تا درجه ۸ مقرر در قانون برای جرایم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.»

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی. جلد سوم، چاپ بیست و سوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- آخوندی، محمود (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری: کلیات و دعاوی ناشی از جرم. جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: دوران‌دیشان.

- آشوری، محمد (۱۴۰۱). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: سمت.

- جعفرزاده، سیامک و همکاران (۱۴۰۲). «تحولات بنیادین قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در فرآیند تحقیقات مقدماتی». پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۴۲): ۱۲۱-۱۵۱.

- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۸). «مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند». پژوهش‌های حقوق کیفری، ۸(۲۹): ۱۰۱-۱۳۴.

- حجاریان، محمدحسن (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی تخریب کیفری در حقوق ایران و کشورهای اسلامی. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- حسنی، محمدحسن و همکاران (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی آدم‌ربایی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا». پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۴(۲): ۳۸-۵۲.

- خالقی، علی (۱۴۰۲). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ بیستم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.

- رسولی امیرحاجلو، اسحاق و همکاران (۱۴۰۱). «چالش‌های قضایی و اجرایی زندان‌زدایی در سیاست جنایی ایران». مجله حقوقی دادگستری، ۸۶(۱۱۹): ۲۱۹-۲۴۴.

- روستایی، مهرانگیز و همکاران (۱۴۰۱). «چالش‌های شکلی و ماهوی فراروی رسیدگی به بزه تخریب اموال؛ با تأکید بر تحولات ناشی از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱۳(۱): ۹۹-۱۲۲.

- علیزاده، حمید و همکاران (۱۴۰۱). «روئای حبس‌زدایی تا جوانب بازدارندگی و بی‌کیفری مجازات در پرتو قانون کاهش

باتوجه به همین معایب کیفر حبس، قانون در سال ۱۳۹۹ دست به تصویب قانون کاهش حبس تعزیری زد. تصویب این قانون تحولات مختلفی را در پی داشته است. یکی از حوزه‌هایی که این قانون تغییراتی به دنبال داشته است، بحث تغییر صلاحیت از دادگاه کیفری یک به دادگاه کیفری ۲ می‌باشد. از جمله جرایمی که صلاحیت محاکم رسیدگی‌کننده در نتیجه تصویب قانون کاهش حبس تعزیری تغییر کرده است، عبارتند از: جرم ضرب و جرح عمدی، جرم آدم‌ربایی، جرم توهین به اشخاص عادی، جرم افترا و جرم تخریب عمدی. از تحولات دیگر قانون کاهش حبس در خصوص صلاحیت محاکم، جرایمی است که رسیدگی بدان نیازی به کیفرخواست ندارد، از جمله این جرایم می‌توان به تصرف عدوانی، صدور چک بلامحل، فراهم‌نمودن موجبات ابتلا به بیماری‌های واگیردار، سوءقصد به جان رییس کشور خارجی و توهین علنی به رییس کشور خارجی و ... اشاره نمود که هر کدام در جای خود مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

**ملاحظات اخلاقی:** در پژوهش انجام شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهام نویسندگان:** در این پژوهش، همه نویسندگان سهم برابر در نگارش داشتند.

**تشکر و قدردانی:** از همه بزرگوارانی که در نگارش این مقاله، راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

#### منابع و مأخذ

- احمدی، اصغر و همکاران (۱۳۹۶). «حمایت کیفری از محیط زیست شهری در حقوق کیفری ایران». اقتصاد شهری، ۲(۲): ۳۷-۵۴.

- مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹». پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۰(۱۹): ۹۹-۱۲۵.
- فتیلی، صادق و همکاران (۱۴۰۰). «توسعه جرایم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری: بررسی کاربردی چالش‌ها و دستاوردها». پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۹(۱۸): ۲۸۱-۳۰۲.
- منصورآبادی، عباس (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی. جلد سوم، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- مهدوی‌پور، اعظم و همکاران (۱۳۹۷)، «بررسی جایگزین‌های زندان با تکیه بر دیدگاه زندانیان». پژوهش حقوق کیفری، ۶(۲۳): ۲۸۱-۳۱۷.
- مهرا، نسرین (۱۳۹۸). «تأثیر مشخصه‌های جرم بر تعیین مجازات». تحقیقات حقوقی، ۲۲(۸۸): ۶۳-۸۴.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۱). جرایم علیه شخصیت معنوی/اشخاص. چاپ چهارم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نصر، امین و همکاران (۱۴۰۲). «ارزیابی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از منظر سیاست جنایی ریسک‌مدار». پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۱(۲۲): ۴۷-۶۴.
- نظافت، فرامرز و همکاران (۱۴۰۱). «تحلیل جامعه‌شناسی - تقنینی سیاست جنایی قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹». جامعه‌شناسی سیاسی/ایران، ۵(۱۱): ۲۹۸۴-۲۹۶۸.
- نظری، طاهر و همکاران (۱۳۹۸). «تحلیل جرم آدم‌ربایی در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران». دانش و پژوهش حقوقی، ۵(۱): ۱۱۵-۱۳۲.